



بس کنید!

هر زمان که نامی از لیست امید می شنوم یاد شور و حیاتی می افتم که در رگهای خسته شهر و کشورمان تنها بارقه امیدی شد از خونی تازه به رنگ سرخ همه رشادت هایی که در تاریخ این کشور برای اصلاح آنچه از کژی و ناراستی است . امید و اعتمادی که به پای دولت روحانی و لیست امید شورا و مجلس ساخته و پرداخته اتاق فکر شورایی به نام هماهنگی ریخته شد ، همدان اما از این قاعده مستثنا نبود، حضور حتی رای اولی های پا به سن گذاشته و رای های خاکستری با هدف اعتماد دوباره و نمایش امیدواری جریان اصلاحات را با انباشتی از سرمایه اجتماعی مواجه کرد که همزمان مطالبات بسیاری را هم به دنبال داشت، در این میان برخی ناگهان شانه بالا انداختند که و گردن افراشتند که این اعتماد نتیجه سالهای متمادی حضور ما در عرصه سیاسی و اجتماعی یا فعالیت احزاب تازه تاسیسمان هست ، غافل از اینکه این اعتماد فرصت دوباره ای بود به باور عمیق نیاز به جامعه مدنی و باور به اصلاحات، اصلاحاتی که ریشه در تاریخ این کشور دارد و در بزنگاه های تاریخی خود را نشان داده است، اما مشکلات بسیاری که دولت تدبیر و امید مواجه شد و فشار اقتصادی بر مردم شریف این دیار اعتماد را بی رنگ کرد و مردم را نا امید، هر زمان که صدایی از جامعه مدنی و مردم برخواست که این رای ما نبود ، صدایی از احزاب اصلاح طلب درآمد که هیس الان زمان مطالبه گری نیست

بازتولید این نوع از واکنش را در همدان هم به وضوح شاهدیم ، مردم

در همدان اصولگرا ، به پنج عضو از لیست امید رای اعتماد دادند تا شورایی با غلظتی نزدیک به اصلاح طلبی و چگالی نزدیک به معتدل شکل بگیرد ، اما همین شورا هم از ابتدا نشان داد فشار اصلاح طلبی آن شاید دو نفر نصفی باشد ، جامعه مدنی همدان که بسیار مایه گذاشته بود شگفت زده شد و مردم هم در حجم عظیم تبلیغات علیه اصلاح طلبی در همدان در برابر هر سخنی از رقیب ، نمونه ای عینی را مشاهده می کردند ، اما فعالین مدنی شهر و مردم دیار خوبان در سکوت و همچنان امیدوارانه روند تحولات را دنبال کردند ، اما ظاهراً قرار نیست دعوا بر سر صندلیهای کذایی قدرت در همدان تمام شود ، انگار قرار است احترام به لیست و تفکر تشکیلاتی فقط از جانب رای دهندگان باشد نه کسانی که رای می آورند ، انگار ما می اندیشیم رای خاکستری شهر به سمت ابراهیم ، جواد و حمید روانه شده ، اینها که فقط نامهایی هستند از کسانی در شهر که بی شمار ابراهیم و جواد هست ، رای به تغییر روند تصمیم گیری مدیریت شهری بوده و هست و این بگومگوها فقط هزینه ای گزاف را بر خواست رای دهندگان معتقد به مرام اصلاح طلبی وارد می کند ، هزینه ای که شاید نمود آن را در انتخابات بعدی ببینیم و شهر به جای آنکه مجالی باشد برای تمکین خواست مردم و فعالین مدنی صاحب فکر و اندیشه فضایی می شود برای آنان که باکی از ساختن برج و باروی منفعت طلبی بر زمین سوخته تاریخ و هویت این شهر ندارند ، اگر خدایی نکرده روزی این اتفاق بیافتد ، در نقطه نخست کسانی مقصرند که میتوانند سرمایه امید مردم را به پای لیستی متشکل از دلباختگان سرنوشت دیار خوبان بریزند اما فدای سهم خواهیها کردند ، در مکان دوم همانها که بگومگو کردند و بجای باور به روند صحیح بر نام ها متمرکز شدند و در آخر دود آن به چشم آیندگانی که بعد از ما خواهند آمد، می رود . شهری که باید نگینی باشد بر انگشتری غرب کشور امروز آوردگاه بگومگوهای بی پایان بر صندلیهای فانی قدرت شده است . بس کنید.

یادداشت از: مجیر خضریان